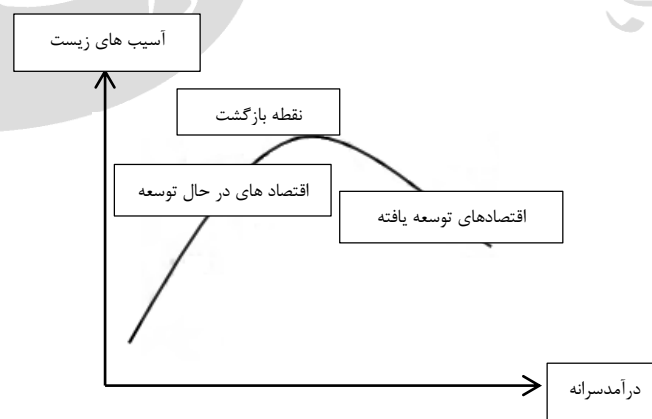


منحنی کوزنتس

Kuznets Curve

در سال ۱۹۹۵ اقتصاد دانی به نام سیمون کوزنتس برای نخستین بار رابطه درآمد سرانه و نابرابری درآمدی را با استخراج داده‌های تجربی به صورت یک رابطه U شکل معکوس Inverted U-shaped Curve مطرح نمود که منحنی محیط‌زیستی کوزنتس نامیده شد (Dinda, 2004). طبق فرضیه کوزنتس، رشد اقتصادی همواره موجب تخریب محیط‌زیست نمی‌شود، بلکه می‌تواند به ابزاری برای بهبود کیفیت محیط‌زیست تبدیل شود. به اعتقاد وی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، همزمان با افزایش درآمد سرانه، نابرابری توزیع درآمد افزایش و پس از رسیدن به سطح معین یا نقطه برگشت، نابرابری درآمد به تدریج کاهش می‌یابد (Kuznets, 1995).



نمودار: شکل عمومی منحنی محیط‌زیستی کوزنتس

(Yandle et al., 2002)

در این فرضیه عوامل زیر بخش نزولی منحنی را توجیه می‌کند که عبارت است از:

الف- تقاضا برای محیط‌زیستی با کیفیت مطلوب:

معمولاً چنین تصور می‌شود که بعد از رسیدن درآمد به یک سطح مشخص، تمایل به پرداخت برای داشتن محیط‌زیست پاکیزه، سریع‌تر از درآمد رشد می‌کند (رکا و

سرانا، ۲۰۰۷)، چراکه محیط‌زیست پاکیزه کالایی لوکس است و تمایل به پرداخت مصرف‌کننده‌های ثروتمند برای محیط‌زیست بیشتر است (مبارک و محمدلو، ۱۳۸۸).

ب- سرمایه‌گذاری برای محیط‌زیست:

حرکت از سرمایه‌گذاری ناکافی به سمت سرمایه‌گذاری کافی به منظور احیا کیفیت محیط‌زیست می‌تواند مبنایی برای نزولی شدن منحنی کوزنتس باشد (Dinda, 2004). کشورهای کمتر توسعه‌یافته، تمامی موجودی سرمایه خود را به تولید اختصاص می‌دهند، در حالی که باید بخشی را به تولید و بخش دیگری را به فعالیت‌های کاهنده آلودگی‌های ناشی از تولید اختصاص دهند (مبارک و محمدلو، ۱۳۸۸).

ج - آثار تولیدی (مقیاس، فناوری، ترکیب داده و ستانده):

با فرض ثبات سایر شرایط واضح است که افزایش مقیاس تولید تخریب محیط‌زیست را نیز افزایش خواهد داد (مبارک و محمدلو، ۱۳۸۸).

د- تجارت بین‌الملل:

در کشورهای توسعه‌یافته مقررات محیط‌زیستی سختگیرانه، هزینه‌های تولید صنایع آلاینده را نسبت به کشورهای در حال توسعه افزایش می‌دهد. این افزایش هزینه‌ها، سبب می‌شود که با گسترش تجارت، صنایع مذکور در کشورهای در حال توسعه متمرکز شوند. (مبارک و محمدلو، ۱۳۸۸).

ه - مقررات:

اگر مقررات محیط‌زیستی تقویت شود، آلودگی کاهش خواهد یافت (Dinda, 2004). تصور می‌شود که نهادهای اجتماعی لازم برای اعمال مقررات محیط‌زیستی، همراه با رشد اقتصادی ارتقا می‌یابند. در حالی که نهادهای مقرراتی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا وجود ندارد یا در صورت وجود، ضعیف عمل می‌کند. البته بدیهی است که دسترسی به اطلاعات که نقش مهمی در وضع و اعمال مقررات کارا و مؤثر ایفا می‌کند، هم هزینه‌بر است و هم امکانات خاص

خود را می‌طلبید. بنابراین، از این منظر نیز می‌توان رشد و افزایش درآمد را عاملی دانست که بر روند مقررات محیط زیستی و اعمال آن‌ها اثرگذار است. برخی از عوامل مذکور، به‌طور مستقیم و بدون واسطه (مانند آثار تولیدی) و برخی دیگر به‌طور غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر عوامل دیگر، بر محیط‌زیست اثر می‌گذارد و رابطه رشد را با آن تنظیم می‌کند (مبارک و محمدلو، ۱۳۸۸).

کتاب‌شناسی

مبارک، الف. و محمدلو، ن. (۱۳۸۸). بررسی اثر آزادسازی تجاری بر انتشار گازهای گلخانه‌ای (فرضیه‌های پناهگاه‌های آلودگی و منحنی زیست‌محیطی کوزنتس)، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۸، ۵۸-۳۱.

مهرآرا، م.، ح.، حسنی سرخ بوزی، م. (۱۳۹۱). رابطه مصرف انرژی و درآمد: آزمون فرضیه زیست‌محیطی کوزنتس با استفاده از رویکرد مدل‌های رگرسیونی انتقال ملایم پانل، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۲)، ۱۹۴-۱۷۱.

Yandle, B., Vijayaraghavan, M., & Bhattarai, M. (2002). The environmental Kuznets curve. A Primer, PERC Research Study, 02-01.

Dinda, S. (2004). Environmental Kuznets curve hypothesis: a survey. Ecological economics, 49(4), 431-455.

Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. The American economic review . 1-28.

نغمه مبرقی دینان

هیئت علمی پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

ریحانه رسول‌زاده

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی محیط‌زیست پژوهشکده علوم محیطی

دانشگاه شهید بهشتی